



باورهای عامیانه ترکمنان (بخش ششم)

باورهای مرتبط با جانوران

قسمت چهارم



■ ترجمه و تألیف: آناوردی کریمی
نویسنده، مترجم و پژوهشگر
فرهنگ و ادبیات ترکمن

■ مقدمه

در شماره‌های پیشین فصلنامه میرداماد (شماره‌های ۳۰، ۳۱ و ۳۳-۳۴) بخش‌های نخست تا سوم باورهای قوم ترکمن در ارتباط با جانوران، با باورهای مرتبط با «آب‌دزدک» شروع شده و به باورهای مربوط به «غاز» ختم شد. در این شماره، بخش چهارم مقاله با باورهای قوم ترکمن در مورد «قاطر» شروع شده و به باورهای مرتبط با «مادیان» خاتمه می‌یابد. اطلاعات مندرج در این مقاله با تلفیقی از شیوه‌های مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی و گفتگوهای شفاهی گردآوری شده است.

■ قاطر

این جانور چهارپا، که از آمیزش خرِ نر با اسب ماده به وجود می‌آید، خود قابلیت تولید مثل نداشته و به دلیل عقیم بودن، به آن اِسْتَر (استرون) نیز می‌گویند. جالب این جاست که در باورهای قوم ترکمن، باورداشتی در مورد قاطر وجود دارد که به تولید مثل انسان مربوط است. چنان‌که تراکمه بر این باورند که اگر به زن حامله قلب قاطر را بخورانی، زایمان او راحت خواهد بود.

■ قرقاول

ترکمن‌ها از رفتار قرقاول در نشانه‌شناسی تغییرات جوّی بهره می‌برند. چنان‌که آنان بر این باورند که اگر قرقاول‌ها و کبک‌ها زیر بوته‌ها بروند، نشانه آن است که هوا خیلی سرد خواهد شد.

■ قُمری

در باورهای ترکمنان، قُمری پرنده‌ای مقدس و قابل احترام بوده و به‌طور کل نماد برکت و روزی حلال محسوب می‌شود. به همین واسطه، آزار و اذیت و نیز کشتن آن گناه محسوب شده و دارای عواقب ناخوشایندی خواهد بود.

نُخُورلی‌ها، قُمری را پرنده خوبی می‌دانند و اعتقاد دارند زمانی که یکی از پیامبران [حضرت ابراهیم(ع)] که در آتش می‌سوخت، این پرنده با منقارش برای خاموش کردن آتش، آب می‌آورده است. بنابراین اذیت کردن این پرنده را گناه می‌دانند. ترکمنان سالور نیز بر این باورند که اگر قُمری در اطراف دیوارهای خانه کسی لانه بسازد، آن خانه دارای برکت و روزی حلال است. در شکل دیگری از همین باور، اعتقاد بر این است که اگر قُمری در خانه کسی آشیانه بسازد، به آن خانه برکت خواهد آمد. هم‌چنین در نشانه‌شناسی رفتار قُمری می‌گویند: اگر قُمری‌ها آواز بقو سر دهند، همان روز هوا گرم می‌شود.

■ قوچ و شاخ قوچ

قوچ در زندگی دامداری اولیه اقوام ترکمن نقش مهمی را ایفا نموده است. ترکمن‌ها کاملاً به این امر واقف بوده‌اند که قوچ یکی از عوامل مؤثر گرداننده زندگی آن‌هاست. این حیوان علاوه بر استفاده‌هایی که از لحاظ پشم و پوست و روده و گوشت می‌رساند، عامل تکثیر نسل گوسفندان نیز می‌باشد و گوسفند رکن اصلی زندگی ترکمن را تشکیل می‌داده است.

به واسطه نوع زندگی ترکمنان نخستین، هریک از عناصر و موجوداتی که در زندگی آنان نقش پررنگی داشته‌اند، براساس شاخصه‌ها و ویژگی‌های بارز خود، تبدیل به نمادی شده‌اند. چنان‌که اسب و قوچ دو حیوانی هستند که به عنوان سمبل مردانگی و شجاعت در میان ترکمن‌ها مشهورند. یا به عبارت دیگر قوچ نماد نیروی حیات، قدرت توالد و تناسل، باروری و حاصلخیزی تلقی می‌شود. بنابر قولی دیگر، قوچ در بین ترکمن‌ها سمبل قدرت و جنگندگی بوده است و در میان اقوام تورک - به‌خصوص در میان ترکمنان - نشانه قدرت و تولید شناخته شده و یادگاری از دوران دامداری اولیه است.

بازتاب برخی از باورهای ترکمنان، [در مورد اشیاء و جانوران] را در نقوش دست‌بافته‌ها - به‌ویژه قالی‌ها، جانمازی‌ها، نمدها و... - هم‌چنین در بناهای قبور و... می‌توان مشاهده نمود. نقشی که همه جا دیده می‌شود. از شکل سنگی، یا چوبی و حتی خود آن، بر قبور و سرستون خانه‌ها، بر دیوار مساجد و سجاده‌ها، بر تمام نمدها و گلیم‌ها و قالی‌ها و سوزندوزی‌ها، همانا شکلی از سر قوچ است. این نقش به وفور در هنرهای مختلف ترکمن از جمله فرش، گلیم، سوزندوزی‌ها، زیورآلات و... به چشم می‌خورد. باتوجه به این‌که بارزترین و شاخص‌ترین چیزی که نمایانگر شکل و نماد قوچ است، سر این جانور و به‌ویژه شاخ آن است، بنابراین در نمادسازی‌ها نیز غالباً به سر و خصوصاً شاخ آن توجه شده است. قوچ و شاخ قوچ جایگاه ویژه‌ای در فرهنگ عامه ترکمن دارد. متداول‌ترین نمادی که تاکنون ترکمن آن را نگاه داشته، نقش شاخ قوچ است. نمادی که [مظهر خیر و برکت و اقتدار و سمبل روح نیاکان و پاسدار حیات مادی جامعه‌ی رمه‌دار است.



سنگ مزار به شکل شاخ قوچ



سرستون چوبی به شکل شاخ قوچ

شاخ قوچ (قوچوق)، در بین مردم ترکمن، نمادی از قدرت، نعمت و باروری بوده و تا به امروز با زندگی ترکمن عجین است. هوشنگ پورکریم ضمن گزارشی که از بازدید مردم‌شناسانه خود در دهه ۱۳۴۰ خ از دشت ترکمن ایران ارائه داده، درباره نماد شاخ قوچ به عنوان نشانه قبور ترکمن نوشته: «سنگ قبرها، به طرحی تراشیده شده، که گویا از شکل شاخ «قوچ» ملهم شده باشد. البته در چند نقطه‌ی دیگر ترکمن صحرا دیده شده که شاخ قوچ را عیناً بر روی قبر گذارده بودند. حتی در یکی دو قبر به یک شاخه قوچ اکتفا نشده بود و چند شاخ را باهم بر روی قبر چیده بودند. به مفهوم این‌که صاحب قبر خیلی مقتدر و دارا بوده است. در واقع قوچ و شاخ قوچ در میان همه ترکمن‌ها و در قسمت‌های وسیع از آسیای میانه، سمبل (نشانه و کنایه) قدرت شناخته شده است. علاوه بر این، سر تراشیده کودک خردسال ترکمن با دو دسته مو به شکل شاخ در دو طرف سر «قولپاق» و شاخ‌های پیچیده قوچ بر فراز خانه‌ها و گورهای پیران طایفه، نیز یادآور این نماد است.

نماد قوچ در فرش ترکمن‌ها، باور به دفع شر، نشان قدرتمندی، باروری و زاینده‌گی را در پی دارد. به عقیده آنان [ترکمن‌ها] نقش قوچ در فرسینه‌هایشان موجب دفع شر از خانه و خانواده می‌شد.

یوسف قوجق در پایان نامه خود پیرامون نماد قوچ و شاخ قوچ در بین ترکمنان نوشته: «نکته دیگری که می‌تواند حائز توجه باشد، گذاشتن شاخ گاو یا قوچ بر بالای سقف ایوان و ورودی خانه‌های خشت و گلی امروزی و هم‌چنین سرستون ایوان برخی از خانه‌های روستایی، به شکلی است که نقش شاخ را می‌توان از آن‌ها متصور شد». به این معنی که آن خانه پربرکت باشد.

در برخی از قبرستان‌های قدیمی، نقش شاخ را روی سنگ‌های مزار نیز می‌توان دید و سالخوردگان این قوم بر این نظرند که این امر برای رماندن ارواح شیطانی انجام شده است. هم‌چنین سالخوردگان ترکمن بر این نظرند که استفاده از نقوش شاخ در روی قبرها، به معنای سلحشوری و غیرتمندی صاحب قبر است.

علاوه بر این، نقش شاخ درهم تنیده قوچ را حتی می‌توان در نقوش نمدها و نقوش سوزن‌دوزی این قوم هم مشاهده نمود. باتوجه به مطالب مذکور، استدلال‌های سالخوردگان این قوم در مورد نقش شاخ قوچ، تأیید می‌شود. به این معنی که نقش شاخ قوچ روی قبرها، نمادی از قهرمانی و مردانگی و قدرت صاحب قبر بوده و استفاده از آن بر روی ستون ایوان خانه‌ها و نیز نمدهای دسترنج زنان این قوم، نشان‌دهنده باورهایشان به الهه باروری و آرزوهای آن‌ها برای داشتن فرزند پسر بوده است. دختر ترکمن در بافتن این طرح، تخیلات خود را در تجسم مردی که چون قوچ، قوی، کوبنده، مقاوم، سریع، نجیب، وفادار و بارور است، به‌کار می‌گیرد.

در ارتباط با خواص درمانی شاخ قوچ؛ این باور نیز وجود دارشت که برای مداوای نازایی، شاخ قوچ را که در قبرستان بود، زیر دامن زن نازا می‌بردند. هم‌اکنون نیز بر روی قبر و گوشه خانه‌ها شکل اصلی یا نمادی از شاخ قوچ دیده می‌شود. گذشته از این، حتی بچه‌های ترکمن موی سر خود را طوری درست می‌کردند تا به شکل شاخ قوچ درآید، که اصطلاحاً به آن «قولپاق» می‌گفتند.

■ قورباغه

در بین اقوام ترکمن باورهای متعددی در مورد قورباغه وجود دارد. بسیاری از ترکمن‌ها بر این باورند که اگر قورباغه را بزنی، یا «در مشمت فشار بدهی» و یا «آن را بکشی»، از دستت زگیل درمی‌آید. درمقابل برخی دیگر معتقدند که برای رفع زگیل باید قورباغه را کشت و سپس آن را از ایوان و یا جایی آویزان کرد. وقتی که قورباغه خشک شود، زگیل هم خوب خواهد شد.

■ رفتارشناسی قورباغه و تغییرات جوی

بنابر یک باورداشت اگر قورباغه‌ها در نهرها تا هنگام سپیده‌دم، به خواب نروند؛ فردای آن روز هوا گرم خواهد شد. به روایتی دیگر؛ اگر قورباغه‌ها بیرون آمده و آواز سر دهند، آن روز هوا گرفته و خفه خواهد شد. برخی نیز باور دارند که اگر قورباغه‌ها از آب بیرون آمده و به میان بوته‌ها بخرزند، فردای آن روز باران می‌بارد.

■ کبوتر

کبوتر نیز جزو جانورانی است که در هنر و صنایع دستی قوم ترکمن بازتاب یافته و به مرور زمان تبدیل به نماد شده است. چنان‌که نقش کبوتر در طرح فرش ترکمن، مظهر پرواز و رسیدن به اوج است.

عده‌ای از نُحُورلی‌ها بر این باورند که نباید کبوتر را در خانه نگاه داشت، چون شگون ندارد و برکت خانه را می‌برد. ترکمنان سالور نیز شکار کبوتر چاهی را به هیچ وجه خوب نمی‌دانند و این عمل را بدشگون می‌دانند. بنابراین باوری دیگر؛ اگر کبوترها به‌طور متداوم «بق بقو» کنند، نشانه آن است که هوا صاف خواهد شد.

■ گفتار

اگر مو و دندان گفتار را به همراه داشته باشی، نزد همه عزیز و دوست داشتنی دیده می‌شوی.

■ کلاغ

اگر کلاغ‌ها بالای بام جمع شوند و قارقار کنند، عروسی می‌شود.

- اگر کلاغ در خانه‌ای قارقار کند مهمان خواهد آمد. و یا خبری می‌رسد و این خبر می‌تواند، خبر بدی باشد و یا خبر از این‌که پیشامدی در راه است.

در ارتباط با قارقار کلاغ و آمدن مهمان، این باور هم نزد گوکلان‌ها رایج است که: وقتی کلاغی کنار خانه شما صدا کند، دمش به هر سمتی باشد، از همان طرف مهمان می‌آید.

- عده‌ای از خوجه‌ها، کلاغ را شوم می‌دانند و اگر کلاغ را ببینند، با پرتاب سنگ آن را می‌رانند.

هرچند که «مردم برخی از مناطق ایران، بر این باورند که قارقار کلاغ از چیزی خبر می‌دهد... [بعضی] معتقدند اگر کلاغ روی دیوار کسی آواز بخواند، به صاحب‌خانه خبری خوش می‌رسد. هم‌چنین مردم نواحی مختلف ایران قارقار کلاغ را نشانه رسیدن باران و رحمت الهی و آمدن کلاغ به خانه و نشستن بر حیاط را نشانه برکت و فراوانی می‌دانند؛ اما دیدگاه ترکمنان در این باره یکسان نیست. برخی از ترکمن‌ها بر این باورند که قارقار کلاغ خوشایند نیست و به عنوان یک چیز شوم می‌باشد. در مقابل، عده‌ای معتقدند که اگر کلاغ روی دیوار خانه‌ای آواز بخواند، به تمامی اهل آن خانه خبرخوش می‌رسد. یا اگر کلاغ‌ها به صورت گروهی قارقار کنند، خوش‌یمن است.

اگر کلاغ در خانه‌ای قارقار کند، باید سه حبه قند جلویش بیندازی، تا حامل خبر خوش باشد.

■ پیش‌بینی وضعیت هوا بر اساس برخی از رفتارهای کلاغ

- اگر کلاغ‌ها در زمستان قارقار کنند، این‌گونه استنباط شده است که این عمل نشانه باریدن برف است. نُحُورلی‌ها نیز معتقدند قارقار کلاغ باعث میشود برف بیاید.

- به باور سالورها هم، زمانی که کلاغ‌ها به‌طور دسته‌جمعی و در حین پرواز و یا نشست در اطراف شروع به قارقار کنند، یکی دو روز آینده برف خواهد بارید.

- اگر کلاغ‌ها در ابتدای سال زراعی (پاییز) گروه‌گروه رویت شوند، می‌گویند امسال ترسالی خواهد شد.

- اگر کلاغ‌ها به‌هنگام فرارسیدن بهار، شروع به فرود آمدن کنار آب کنند، گرما زودتر از معمول فرا می‌رسد.

- اگر کلاغ‌ها نوک‌هایشان را زیر بال‌هایشان فرو برند، سرمای سرد و گزنده‌ای در پیش‌رو خواهد بود.

- اگر کلاغ‌ها در نوروز قارقار کنند، نشانه آن است که هوا در ماه آینده خنک خواهد شود.

- اگر کلاغ‌ها در زمستان به سوی کوه‌ها پرواز کنند، نشانه معتدل شدن هوا است.

■ گاو

باورهای عامیانه ترکمنان در مورد «گاو»، غالباً در ارتباط با گاو ماده است. چنان‌که مواردی از این باورها در مورد گاو حامله، زایمان گاو، شیر گاو و امثال آن است. البته در تعداد انگشت‌شماری از باورها نیز مشخصاً به گاو نر اشاره شده و در مواردی هم هیچ اشاره یا نشانه‌ای در مورد جنسیت گاو وجود ندارد. مسلماً یکی از دلایل نگهداری گاو، بهره‌برداری از شیر آن است، بنابراین، پُرشیر بودن گاو یکی از موارد حایز اهمیت خواهد بود. در بین ترکمنان باورهایی در مورد تشخیص شیردهی گاو جود دارد؛ به عنوان مثال می‌گویند: اگر گاو خریدی و فاصله دنده‌هایش به اندازه چهار انگشت باشد و دنده‌هایش درشت و پوستش نازک باشد، این گاو ماده شیرده می‌شود و اگر دُم گاو هم دراز باشد، علامت پُرشیر بودن آن گاو است.

هم‌چنین در مورد رفتار گاو حامله نیز این باور وجود دارد که «گاو حامله، لیس‌زن می‌شود». در مورد زایمان گاو نیز باورهایی در بین ترکمن‌ها رایج است که برخی از آن‌ها عبارتند از:

- اگر به هنگام زایمان گاو و گوسفند، از میان مادر و بچه‌اش رد بشویم؛ مادر فرزندش را برای شیردهی قبول نمی‌کند. وقتی که گاو دوقلو می‌زاید به خوبی تعبیر نمی‌شود، یکی از گوساله‌ها را باید در راه خدا بخشید.

- اگر گاو موقع زایمان جفت خود را بخورد، آن را به خوبی تعبیر نمی‌کنند. چون اگر گاو موقع زایمان جفت خود را بخورد، بچه آن خانه، دزد و یا بدقلق می‌شود و یا شیردهی آن کم می‌شود. نُخوری‌ها نیز این مورد را خوب نمی‌دانند چون در این صورت گاو از شیر دادن می‌ماند و به گوساله خود اجازه نمی‌دهد، تا از پستان او شیر بخورد. در ضمن به آدم نیز شاخ می‌زند. به همین دلایل نُخوری‌ها وقتی که جفت جنین گاو افتاد، به سرعت آن را جدا می‌کنند.

در مورد شیر گاو یا دوشین شیر گاو نیز باورهایی رایج است. به عنوان مثال:

- نیمه‌شب نباید گاو را دوشید و اگر بخواهی بدوشی باید داخل سطل، مقدار کمی نمک بریزی و اگر نه گاو یا اجازه دوشیدن نمی‌دهد و یا شیرش می‌بُرد.

- موقع دوشیدن گاو باید بدن پاک باشد. در چنین صورتی به خانه رزق و روزی و سعادت می‌آید.

- نباید ته دیگ شیر جوشیده در قابلمه را با ناخن خراشید و خورد. در این صورت روی پستان‌های گاو زخم ایجاد می‌شود.

گاو‌ی که تازه زایمان کرده، شیرش غلیظ‌تر و چرب‌تر از شیر معمولی است. ترکمن‌ها به این شیر «آغوز» می‌گویند و در ارتباط با آن باورهایی دارند:

- آغوز را وقتی گرم است نباید خورد، [چون] گوساله تازه به دنیا آمده، چون یالماووز [شکمو، پرخور، آژمند، حریص، زنی که هر چه سر راهش بیابد می‌خورد (موجود افسانه‌ای)] شکمو و پرخور می‌شود.

- آغوز گاو را باید بین همسایگان تقسیم کرد. به این خاطر که دست‌کم اهالی هفت خانه باید در حق گاو، دعا کنند که: «همانند و همراهش افزون گردد».

- موقع زایمان گاو از آغوز آن باید برای همسایه‌ها فرستاد. در چنین صورتی شیر آن گاو پُربرکت می‌شود.
 - وقتی آغوز گاو را به این طرف و آن طرف می‌فرستند، اگر توی آن تکه ذغال گذاشته شود، از چشم زخم محافظت می‌کند و در باوری شبیه به این «اگر توی آغوز گاو، زغال بگذاری، چشم نمی‌خورد».
 - ظرفی که با آن آغوز فرستاده می‌شود، نباید خالی برگردانده شود. بنابراین همسایه‌ها نیز برای این که ظرف خالی برنگردد، قند و ... داخل آن ظرف می‌گذارند.

برخی باورهای مرتبط با گاو نر نیز عبارت است از:

- دیدن گاو نر در خواب، نشانه به زحمت و دردسر افتادن است.
 - اگر گاو نر در خواب ببینی، یعنی عزرائیل را دیده‌ای. حتماً باید صدقه بدهی.
 و یا در مورد شاخ گاو نیز که مربوط به گاو نر است، می‌گویند:
 - اگر شاخ گاو را در تاج خانه نصب کنیم، چشم و نظر باطل می‌شود.
 برخی باورهای ترکمنان نیز به‌طور عموم در ارتباط با گاو است و به ماده یا نر بودن آن نظری ندارد. مثلاً:
 - ترکمن‌ها گاو سیاه را خوب نمی‌دانند. اگر گاو سیاه به خوابت بیاید، آن را نمی‌پسندند. اگر به خوابت بیاید ممکن است دشمن به تو آسیب برساند. اما اگر در خواب از دستش فرار کنی، نمی‌تواند به تو آسیب برساند.

- اگر کسی زبان گاو یا گوسفند را بخورد، پرحرف می‌شود و هم‌چنین اگر به کسانی که کم‌حرف هستند، زبان گاو یا گوسفند را بخورانی؛ آنان زبان دراز و پرحرف می‌شوند.
 - گذاشتن جمجمه گاو باعث دور شدن بلا می‌شود، چرا که «جمجمه‌های گاو نشانهٔ برکت و دفع چشم‌زخم بر فراز خانه‌ها و مزرعه‌ها،... از جمله بقایای اعتقادات کهن آن‌هاست [ترکمن‌ها]».

«زنگی بابا» و «زنگی آشی»

ترکمن‌ها برای هر چیزی یک پیر (عارف) در نظر می‌گیرند. مثلاً پیر چوپانان حضرت موسی (ع) و پیر شعر مولوی است. در باور ترکمن‌ها «زنگی بابا»، پیر و حامی گاو است. ترکمن‌هایی که گاو نگه می‌دارند، نام زنگی بابا از زبانشان نمی‌افتد. [چرا که نگه داشتن گاو کار سختی می‌باشد]. زیرا قبل از هرچیز باید تعداد گاو زیاد شود. بعد از تکثیر هم، فکر و غصه آن زیاد است. موارد و مسائلی چون: پرشیر بودن و یا قطع شدن شیر و پر چرب شدن شیر و زخم پستان و سلامتی و یا بیماری گاو، فکر و ذهن ترکمن‌ها را به خود مشغول می‌دارد. و در این ارتباط ترکمن‌ها از زنگی بابا یاری می‌طلبند و از روح او مدد می‌جویند. با توجه به این باور، در برخی مناطق موقع زایمان گاوها «زنگی آشی» می‌پزند.

■ گربه

در بین ترکمنان گربه موجود مثبتی است، لکن بنابر باور این قوم، گربه سیاه بدشگون است و غالباً نسبت به آن یک حس ترس و وحشت وجود دارد. البته این باور تنها مربوط به قوم ترکمن نبوده و در بین بسیاری از مردم ایران و حتی دنیا رایج است. چنان‌که در باور برخی از مردم ایران «جن بیشتر به صورت گربه سیاه درمی‌آید» و گربه سیاه از گروه جنس «جن» است». برخی از ترکمن‌ها هم بر این باور

هستند که گربه سیاه جن است. بنابراین با چنین پیش‌زمینه‌ی ذهنی، برخی از باورهای ترکمنان در مورد گربه سیاه از این قرار است:

- ترکمنان، گربه سیاه را نمی‌پسندند و آن را بدیمن و نحس می‌دانند.
 - مشاهده گربه سیاه در مسیر راه و عبور شخص از آن مسیر و یا این‌که گربه سیاه راحت را قطع کند، شگون ندارد و نحس است؛ چون احتمال خبری بد و ناگوار است. و بدشانسی می‌آورد و کارت روبه‌راه نمی‌شود. هم‌چنین «اگر در خانه گربه سیاه نگهداری شود، برای آن خانه شگون ندارد».
 درمقابل، نگهداری هر گربه‌ای غیر از گربه سیاه، خوش‌یمن تلقی می‌شود. چنان‌که بنابر باوری عمومی در بین ترکمنان؛ اگر کسی درخانه گربه‌ای داشته باشد و برای گربه، غذای و جای خواب مناسب، فراهم آورد و گربه از اقدامات آن فرد راضی باشد، خداوند نیز از او خشنود و موجب نزول برکات می‌شود.
 هم‌چنین در ارتباط با توجه به گربه و سیر نگاه داشتن آن، می‌گویند: اگر کسی در حال پختن نان یا زمانی که از نانواپی نان خریده، با سگ و گربه مواجه شود، باید تکه‌ای نان به آن سگ یا گربه بدهد و گرنه سگ و گربه او را نفرین خواهند کرد.
 در ارتباط با رفتار انسان نسبت به گربه نیز این باور وجود دارد که: اگر گربه را به عمد بگوشی، در آن دنیا باید داخل شکمش را پر از طلا بکنی و تحویل بدهی.

■ رفتارشناسی گربه

گاهی برخی رفتارهای جانوران، ازجمله گربه، توسط انسان تفسیر شده و هر رفتاری را نشانه‌ی چیزی می‌دانند. به عبارت دیگر با دیدن رفتار گربه، برخی موضوعات را پیش‌بینی می‌کنند.

■ پیش‌بینی آمدن میهمان، براساس رفتار گربه

در باورهای عمومی ایرانیان برخی از رفتارهای گربه به‌ویژه شستن دست و صورت، لیسیدن دست و صورت، نشستن رو به قبله، خوابیدن روی زمین و غلت زدن و... نشانه آمدن میهمان است. در باورهای ترکمنان نیز به این موارد برمی‌خوریم:

- اگر گربه دست‌هایش را به صورتش بکشد و انگار که دارد صورتش را می‌شوید، مهمان می‌آید و یا اگر گربه به سویی نگاه کند و خود را بشوید، از همان طرف مهمان می‌آید.
 - اگر گربه در ایوان خانه‌ای بنشیند و مشغول تمیز کردن صورت خود شود، به آن خانه مهمان می‌آید.

■ پیش‌بینی وضعیت هوا براساس برخی از حرکات گربه

اگر گربه دُمش را بلیسد و بدنش را بر دیوار بمالد، آن روز بارانی می‌شود. و شبیه به این مورد «اگر گربه دست و پایش را لیس بزند، [نشانه آن است] که باران در راه است». اما «اگر گربه در وسط خانه درازکش بخوابد، حتی اگر آن روز در آسمان ابر هم باشد، باران نمی‌بارد».
 - اگر گربه عطسه کند، باید منتظر سرد شدن هوا ماند.
 - اگر گربه به پشت بغلتد و به بدنش کش و قوس بدهد، آن روز هوا معتدل می‌شود.

■ گرگ

این حیوان جایگاه خاصی در اسطوره‌ها، باورها، افسانه‌ها و ضرب‌المثل‌های ترکمنی دارد. در ضمن در زبان ترکمنی، قورت، مؤچک و بووری، کلماتی هستند که برای گرگ به کار برده می‌شوند. - در باور عامه ترکمن‌ها گرگ مظهر هوش و قدرت و درندگی است. از این رو مردان کارکشته نیرومند و توانا را به گرگ تشبیه می‌کنند (قورت یالی) و با امید ذکاوت و قدرت برای آن‌ها، پسران را «قورت» نام می‌گذارند.

- در قصه‌های ترکمنی به عبارت «قورد قودامیز» (یعنی گرگ خویشاوند سببی ماست) بسیار برمی‌خوریم. توضیح آن‌که ترکمن‌ها در قدیم با ذکر نام یکی از دختر بچگان، به مزاح او را به حیوانات زیناباری چون موش و... می‌بخشیدند. به این امید و باور که جانور مزبور به پاس حرمت قرابت سببی، ضرر و زبانی را به خانواده دخترک وارد نسازد! تصور خویشاندی سببی با گرگ نیز احتمالاً ریشه در همین باور خرافی دارد و ترکمن‌ها در عالم باورها با توجه به بیم و هراسی که از گرگ دارند، در صدد قرابت و سازش با وی برآمده‌اند. - گرگ در نزد ترکمن‌ها موجود خوب تلقی می‌شود و ضرب‌المثل «سیمای گرگ خجسته است» در میان ترکمن‌ها بسیار رایج است.

ترکمن‌ها نیز هم‌چون ملل دیگر ذکر نام برخی از پدیده‌ها را بدشگون و نامیمون می‌دانستند.... گرگ به عنوان دشمن و آفت اصلی گوسفندان مشمول این عقیده و باور شده و چوپانان و رمه‌داران و عموماً مردم ترکمن، در گذشته از ذکر نام گرگ واهمه داشته‌اند و تلفظ نام او [را] باعث حضور و جلب و خطر او می‌پنداشتند. ضرب‌المثل: «قورت آغزاسانگ قورت گِلیر» [اگر نام گرگ را بر زبان آوری، حاضر خواهد شد] نشانگر این باور است.

برخی از ترکمنان طایفه نُخُورلی بر این باور هستند که اگر کسی در مسیر راه به گرگ برخورد، عین گرگ درنده و شیرمرد برمی‌گردد و کارش پیدا می‌کند. حتی اگر در خواب هم گرگ را ببیند، می‌گویند کار آن فرد رواج پیدا می‌کند و خلاصه مثل گرگ درنده و کارش روبه‌راه می‌شود. - از جلوی کسی که به شکار می‌رود و یا برای انجام کاری رهسپار است، گرگ در بیاید، می‌گویند خوش‌یمن است.

■ گنجشک

اگر هنگام بارش باران گنجشک‌ها، جیک جیک صدا در بیاورند، بعد از چند دقیقه آن باران قطع و یا شدت آن کم می‌شود.

■ گوسفند

در گذشته ترکمن‌ها در ارتباط با امور و مسائل دامپروری، با شدت و حدت حسن‌تعبیر را مراعات می‌کردند. به‌ویژه در ارتباط با گوسفندان این حسن‌تعبیر رواج بیشتری داشت؛ زیرا ترکمن‌ها گوسفند را برترین دارایی به حساب می‌آوردند و می‌گفتند: «قویون باییدی» یعنی گوسفند مکننت یافت و اگر زاد و ولد آن‌ها به پایان برسد، می‌گویند: «قویون سایدی» یعنی گوسفند فراغت یافت. بدین ترتیب در هر

دو مورد از به کارگیری لفظ «توکمنک» و «قوتارماق» یعنی تمام شدن خودداری می‌نمایند. هم‌چنین اگر گوسفندی به ناگاه بمیرد می‌گویند: «پيجاغا گلدی» یعنی کارش به کارد و چاقو رسید و در این جا از گفتن «اؤلمک» یعنی مردن اجتناب می‌ورزند.

در زندگی سنتی و تاریخی ترکمنان، که نوعی زندگی مبتنی بر اقتصاد دامپروری بوده، گوسفند یکی از مهم‌ترین عناصر زندگی آنان محسوب می‌شده است. به همین واسطه باورهایی در مورد نوعی تقدس گوسفند و نیز ارتباط آن با افزایش رزق و روزی وجود دارد؛ چنان‌که گاهی از آن با عنوان «گنج» یاد می‌کنند.

■ ارتباط گوسفند با فرشته، حضرت خرز و پیرورزق و روزی

بر اساس باوری کهن، گوسفند فرشته دارد، لذا نمی‌توان به او سیلی زد، بلکه می‌توان او را بوسید، در حالی که بُز را نمی‌توان بوسید. چنان‌که می‌گویند اگر گوسفند را در خواب ببینی، مانند آن است که فرشته را دیده‌ای. هم‌چنین بنا بر یک باور؛ چوپانی که به مدت هفت سال گوسفند را نزند و دشنام ندهد و بدون گلابه چوپانی کند، و با خوشرویی از گوسفند نگهداری کند، حضرت خضر را می‌بیند. در باوری دیگر؛ اگر شخصی سال‌های متمادی گوسفند نگه دارد، به حضرت خضر برمی‌خورد و این امر باعث می‌شود که رزق و روزی و ثروت او زیاد شده و به مالش برکت خواهد آمد. ترکمن‌ها اعتقاد دارند که گوسفند صاحب «پیر» است، بنابراین اگر کودکی بیمار شود؛ پدر یا پدربزرگ و یا یکی دیگر از بستگان، او را به میان گله گوسفند می‌گردانند. با این باور که در این صورت کودک از بیماری‌های خواهد یافت.

سالورها بر این باور هستند که در حال گذر از مسیری، اگر بخواهی از وسط رمه‌ی گوسفند عبور کنی، باید یک یا دو عدد سکه به میان رمه گوسفندان بیندازی. انداختن سکه به میان این گنج که در مسیر راه به آن برخوردی، نشان‌دهنده خوش‌یمنی و اشتراک در رزق و روزی می‌باشد. نُخوری‌ها نیز گوسفند را نوعی فرشته محسوب کرده و بر این باورند که اگر پول نقد به میان گله گوسفندان بیندازی، کار خوبی است و ثواب دارد و موجب رفع بلا می‌شود. برخی ترکمنان بر این باورند که گوسفند در خواب نشانه برکت است و اگر خواب ببینی که داری گوسفند می‌چرانی، علامت خوش‌یمنی و افزایش روزی است. گروهی دیگر اعتقاد دارند: اگر در کنار یک گله گوسفندی که در حال استراحت و خواب هستند، حضور داشته باشی، هر چه آرزو کنی، خداوند برآورده می‌کند. در باوری دیگر می‌گویند: اگر در بین راه با یک گله گوسفند روبه‌رو شوی، نباید از میان آن‌ها بگذری، چون خوش‌یمن نیست. مثلاً اگر سواره باشی و بگذری، تصادف خواهی کرد و یا حادثه دیگری برای تو اتفاق خواهد افتاد. بر همین اساس در باوری امروزی اعتقاد بر این است که «اگر در مسیر و جاده‌ای که ما در حال رانندگی هستیم، گله‌ای از گوسفندان از جلوی ما عبور کنند و ما مجبور به توقف بشویم تا آن گوسفندان از آن جا رد بشوند، نشانه برکت و حذف شدن یکی از مشکلات ما است».

- اگر گوسفند دوقلو بزاید، نشانه سعادت‌مندی است.
- اگر دندان بچه بیفتد داخل طویله گوسفند می‌اندازند تا دندان‌هایش خوب دربیاید.
- اگر گوسفند گوشش را بجنباند، باران می‌بارد.

■ لاک پشت

در داستان‌های اساطیری ترکمن، لاک‌پشت، در ابتدا انسانی بوده، که قربانی بخل و حسادت شده است. این شخص قبل از این‌که به لاک‌پشت تغییر شکل دهد، به خاطر این‌که غذایش تمام شده و گرسنه مانده بود... به ناچار نزد همسایه جادوگر خود می‌رود و یک بشقاب گندم از او می‌گیرد و قول می‌دهد که بعداً معادل همان مقدار گندم را برگرداند. مدتی سپری می‌شود و گندم‌های این شخص می‌رسد. در همان زمان شیطان از فرصت سود می‌جوید و به سراغ او می‌رود و رگ بخل او را تحریک می‌کند. در آن زمان، حسادت هم پیدایش می‌شود. آن دو می‌گویند: جادو برای او نان به دست می‌آورد. ماشاالله انبار او پُر از غلات است. گندم او را در یک ظرف کوچک بریز و به او تحویل بده... آن شخص فریب می‌خورد و چنین می‌کند. جادوگر که اجازه نمی‌داد کسی حقش را بخورد؛ ظرف کوچک گندم را قبول نمی‌کند. شیطان این بار به قلب جادوگر وارد می‌شود و به او پیشنهاد می‌کند که در حق آن شخص نفرین کند تا خدا او را به شکل لاک‌پشت در بیاورد. جادوگر قبول می‌کند و به آن مرد می‌گوید: «ای آدم طماع خسیس، خدایم تو را به شکل لاک‌پشت در بیاورد» و این آدم طماع خسیس با قدرت او تبدیل به لاک‌پشت و دو بشقاب هم به اندام او وصل می‌شود؛ بشقاب بالایی بزرگ و پایینی کوچک.

در روایتی دیگر می‌خوانیم: در زمان‌های قدیم زنی زندگی می‌کرد که بسیار بخیل بوده و در داد و ستد هیچ‌گاه رعایت انصاف نمی‌کرده است. او از همسایه‌ها گناه، پیمان‌های لالاب پُر از گندم و یا جو قرض می‌کرد؛ اما در هنگام اعاده، تنها نیمی از آن را برمی‌گرداند. روزی از روزها، او طبق عادت همیشگی‌اش، پیمان نیمه پُر گندم را به همسایه‌اش باز گرداند. همسایه که از بی‌انصافی او در پرداخت بدهی سخت ناراحت بود. او را زیر لب نفرین کرد: «الهی پیمان‌ات واژگون شود و تو هم زیرش بمانی». با این نفرین، پیمان زن تنگ‌چشم بر سرش برگشت و او را به صورت لاک‌پشتی در آورد. پیمان او گویا یک «چاناق» (ظرف چوبی با لبه‌های زشت) بوده است. پیشینیان می‌گویند که نسل لاک‌پشت از این زن پدید آمده است. از این رو ترکمن‌ها هیچ‌گاه لاک‌پشت را نمی‌کشند، زیرا منشأ آن را منتسب به آدم می‌پندارند. برخی ترکمنان بر این باورند که اگر به اطراف خانه لاک‌پشت بیاید، رزق و روزی و سعادت را با خود به همراه خواهد آورد. در چنین شرایطی باید روی لاک‌پشت ماست گذاشت و روانه کرد.

هم‌چنین اگر خشکسالی باشد، لاک‌پشت را برمی‌گردانند، تا لاک‌پشت دعا کند و باران ببارد.

■ مادیان

باورهای ترکمنان در ارتباط با مادیان، بیشتر پیرامون خواص درمانی شیر این جانور است. چنان‌که این قوم بر اساس تجربیات زیستی خود، بر این باورند که شیر مادیان را به کسانی که درد معده و قفسه سینه دارند، باید نوشاند.

علاوه بر این ترکمنان بر این باورند که برای درمان بیماری «قزلجه» (سرخجه یا سرخک)، نی زدن و آواز خواندن، شیر مادیان و یا تکه کوچکی از سفیده (شُش) روباه، مفید است.

■ تذکر: منابع در دفتر نشریه موجود است.